

## نخستین مسافرت مظفرالدین شاه بفرنگستان

### ووقایع اتفاقیه آن زمان

در آستانه قرن بیستم ، مظفرالدین شاه قاجار قصد سیاحت اروپا نمود ، مسافرت وی بنا بر توصیه دکتر شنیدر Dr. Schneider طبیب نظامی فرانسوی بود که سالی چند در دربار ایران بطبابت اشتغال و همواره بوضع مزاجی شاه شهید و بسرش آشنائی داشت ، درباره مظفرالدین شاه تجویز نموده بود که قبل از تماشای شهر پاریس و دید و بازدیدهای رسمی چند هفته در یکی از مناطق معدنی و خوش آب و هوای فرانسه استراحت نماید . مظفرالدین شاه پس از مشورت با سایر اطباء و درباریان موافقت خود را در عزیمت با اروپا اعلام داشت و بدین ترتیب روز دوازدهم ذیحجه ۱۳۱۷ قمری مطابق با دوازدهم ماه آوریل ۱۹۰۰ مسیحی بهراهی هجده تن از برگزیدگان تهران را بقصد اروپا ترک گفت .

### همراهان شاه :

همراهان عبارت بودند از میرزا علی اصغر خان صدر اعظم و میرزا محمود خان حکیم الملک (وزیر دربار) و مونت الدوله (ناظر خرج) و سردار کل و علی پاشا خان قرقاسی کشیکچی باشی ملقب و معروف بامیر بهادر جنگ و وزیر همایون (وزیر پست و نگارنده سفرنامه) و وکیل الدوله و ناصر الملک و دکتر خلیل خان (پدر نگارنده این سطور که پس از چهار سال ملقب باعلم الدوله و طبیب مخصوص شاه گردید) و ندیم السلطان و مونت الملک و امین حضرت و صنیع السلطنه و ناصر خاقان و آقاسید حسین (پسر سید بحرینی معروف برای ادای فرائض دینی و روضه خوانی در موارد لازمه) و ناصر همایون و عکاسباشی و دکتر ادکاک . شاهزادگان ناصرالدین میرزا و اعتضاد السلطنه پسر محمد علی میرزا که خردسال بودند همچنان تا تیریز در التزام رکاب بودند . مهندس الممالک وزیر معادن و میرزا حسن خان مشیر الملک پسر میرزا نصرالله خان مشیر الدوله وزیر امور خارجه که هر دو جزء منشیان میرزا علی-اصغر خان صدر اعظم بودند . مفخم الدوله وزیر مختار ایران در ایالات متحده آمریکا و سعد الدوله وزیر مختار ایران در بلژیک ، در فرانسه انتظار ورود شاه را میکشیدند .

### اقامت شاه در فرانسه برای معالجه :

مظفرالدین شاه از تیریز وارد خاک روسیه گشته بوسیله راه آهن بجانب خاک لهستان و از آنجا بکشور آلمان و بلژیک طی طریق نموده وارد کشور فرانسه گردید و مدت یکماه در شهر کنتز کسویل (Contrexeville) که در ایالت وژ (Vosge) میباشد با استراحت برداخت و در طول این مدت روزی یکی دوبار بدستور دکتر شنیدر بنوشیدن آب معدنی که در ساعات معینی تعیین و تجویز گشته بود می برداخت . آب معدنی را از مجل ساختمان مخازن و چشمه که بوسیله شیرهای متعدد استخراج مینمودند در شیشه و ظرف مخصوص ریخته باقامتگاه شاه می آوردند ، و چندین بار هم خود شاه بمجل مخازن حضور یافت و از دست بانوانی که لباس متحدالشکل در برداشتنند و مخصوص بخش آب بودند آب گرفته و نوشید . با این روش شاه توانسته بود ضعف بنیه مزمن و نقاهت های وارده از مسافرت را بر طرف سازد .

دولت فرانسه کاخ مجلل سوورن (Hotel de la Souveraine) را که در میان پارک‌های قرار گرفته در اختیار شاه و میهمانان ایرانی گذارد و چون در آن اوقات پیوسته اتفاقات و محاطرات سوئی در فرانسه و سایر کشورهای اروپا رخ میداد وزارت داخله فرانسه کسار به یاوولی (Xaerer Paoli) را که از مأموران زیر دست با سابقه بود و در آن تاریخ سر کمیسر پلیس خفیه گشته بود مأمور حفاظت جان شاه نمود و گروهی از سوار نظام سبک اسلحه را بفرماندهی سرهنگ بولی نیر (Colonel de la Boulinière) با طرف آن پارک گذاشت. کلبه جراید یاریس از جریان مسافرت و اقامت شاه در کنتز کسویل و ورود قریب الوقوع او در پایتخت قلم فرسائی مینمودند، نامه هفتگی و مصور پوتی ژورنال چنین نگاشته بود:

«شاه برای تجدید قوا بکنتز کسویل آمده است. از جانب دولت فرانسه مراقبت کامل و پذیرائی گرمی از او بعمل میآید. ناصرالدین شاه پدر این شاه نخستین پادشاهی بود که پس از جنگ شوم ۱۸۷۰ قدم بخاک ما نهاد و از جانب ماک ماهون (Mac mahon) رئیس جمهور وقت تجلیل و تکریم بی سابقه از او بعمل آمد. متأسفانه در آن اوقات شایعاتی چند متواتر از سر زبان ها و در برخی جرائد منتشر گشته بود که صحت و سقم آن بر ما پوشیده است، شهرت یافته بود که حرکات حقارت آمیزی از شاه سرزده که موجب حیرت یاریس گشته اعمال ناپسند او را دور از مقام شامخ سلطنت میدانستند. اما برخلاف انتظار این مهمان جلیل القدر فعلی ما بسیار آرام است و سعی و اهتمام میورزد تا محبوبیت خود را در قلوب مردم رسوخ داده آنان را شیفته خود گرداند. در مجالس و محافل عمومی بقدری محبت و ساده دلی از وی ابراز گشته که تا کنون از هیچیک از سلاطین مشرق زمین دیده نشده است. مظفرالدین شاه در اجتماعات شرکت می جوید و غالباً در باغات عمومی بگردش میبرد و با انواع سرگرمیها و حتی با ورق مقواتی که بازیچه خردسالان میباشد خود را سرگرم میکند. بطوریکه از کنتز کسویل کسب اطلاع نموده ایم این پادشاه یکی از بهترین تیراندازان است و شکارچی ماهری میباشد. مهربانی و رأفت وی از اینجا آشکار میگردد که در یکی از روزها که در باغ عمومی آن شهر بگردش و تفریح پرداخته بوده دختر کوچکی با اتفاق مادر خود بشاه نزدیک شده خیره خیره بگل میخکی که در دست شاه بوده مینگرد. شاه بدون تأمل آن گل را با یک عدد سکه طلا بدو داده تبسم کنان از مادر و فرزند بکنار رفته بگردش خویش ادامه می دهد.»

مظفرالدین شاه قبل از آنکه وارد یاریس شود مدت یک ماه در کنتز کسویل بسربرد. روز دهم ژویه در مسابقات و نمایشات فوج کوهستانی اپی نال Epinal بفرماندهی سرهنگ بولی نیر Boulinière و فوج سوار نظام حضور یافته بسینه هریک از صاحب منصبان مدالی نصب نمود. در جریان این مدت شاه بچندتن از درباریان خود اجازه داده بود روانه یاریس گشته هریک مأموریتی انجام دهند. در آن موقع عده ای از ایرانیان در یاریس مقیم و عده ای هم تازه وارد یاریس گشته بودند، از آنجمله آقای دکتر ابراهیم خان برادر زاده میرزا محمود خان حکیم الملک بود که توسط عموی خود در کنتز کسویل بحضور شاه بار یافته پس از چند روز بیاریس مراجعت نمود.

### پذیرائی رسمی در روسیه و آلمان:

قبل از عزیمت بیاریس، شاه روز سیزدهم ژویه مطابق با ۱۵ ربیع الاول کنتز کسویل را بقصد سیاحت روسیه ترک و روز هجدهم وارد پترزبورگ پایتخت آن کشور گردید. نیکلا دوم امپراطور روسیه پنج روز از شاه پذیرائی نمود. سپس شاه با همراهان خود که در این سفر کوتاه چند تن



### مظفر الدین شاه در کنتر کسویل (فرانسه)

پشت سر شاه میرزا محمودخان حکیم‌الملک وزیر دربار ، بعد از او دکتر خلیل‌خان

اعلم‌الدوله است (شخص قدبلند)

این تصویر از نامه هفتگی بتی ژورنال شماره ۵۰۲ یکشنبه اول ژویه ۱۹۰۰ مسیحی گرفته شده است

از آنها کاسته شده بود مجدداً از همان راه سوی اروپای مرکزی معاونت نمود و روز بیست و ششم وارد شهر کلنی که از شهرهای تاریخی میباشد شد.

### سوء قصد بشاه در آلمان :

در اینجا اقتضا دارد شمه‌ای از روحیه و اخلاق مظفرالدین شاه و سوء قصد باور را در شهر کلنی که پدرم نقل کرده است شرح داده آنکاه بدیگر وقایع بیردازیم ؛ باید دانست که مظفرالدین شاه از همه چیز همه کس هراس و وحشت داشت . از صداهای ناگهانی ورعد و برق و از عذاب آخرت بشدت می ترسید . بعلاوه ، قتل پدرش که بضر ب گلوله صورت گرفت چنان در خاطر او رسوخ یافته بود که از شنیدن کوچکترین خبریک واقعه شوم و یا خزن انگیز بسیار ناراحت میگشت چه رسد بآنکه خودش مورد سوء قصد واقع شود .

هنگام بازگشت شاه از روسیه در شهر کلنی پیشامد ناگواری برای وی رخ داد و آن روز مصادف با بیست و هشتم ربیع الاول و روز قبل از ورود او بیاریس بود که در باغ وحش کلنی بتفریح پرداخته بود . در سفرنامه شاه بدین موضوع اشاره شده چنین مینگارد :

«در بین گردش و تماشا یکدفعه ملتفت شدیم که وزیر دربار متوحش است اطراف ما را وزیر همایون و دکتر خلیل خان مواظبت دارند ، مرد کوتاه قد و بدتر کیب و کثیفی در اطراف ما مواظب است که خود را بمان نزدیک کند و یک دستش متصل در جیب شلوارش پنهان است مثل اینکه میخواهد حربه بیرون بیاورد ...» . شاه از وحشت زیاد بی درنگ باغ را ترک گفته روز بعد از کلنی رهسپار بلژیک و از آنجا وارد کشور فرانسه گردید . واقعه کلنی را نمیتوان توطئه ای جدی از جانب کمیته انارشیت های بین المللی تلقی نمود زیرا پس از دستگیری ناشناس مورد سوء ظن و بازجویی مقامات انتظامی آلمان با وجود آنکه مسلم گردید وی از دارودسته همان انارشیت های بین المللی میباشد کوچکترین اثر و یا مدرکی که دال بر اتهام و سوء قصد نسبت بشاه بوده باشد از او نیافتند .

### پذیرائی رسمی از شاه در فرانسه :

در یاریس ۳ سه ساعت و یک ربع بعد از ظهر بیست و سوم ژوئیه ۱۹۰۰ مظفرالدین شاه و همراهان بایستگاه راه آهن شمالی یاریس رسیدند . در ایستگاه امیل لوبه (Emil Loubet) رئیس جمهوری و دلکاسه (Delcassé) وزیر امور خارجه ، و والدک روسو (Wa'deck-Rousseau) رئیس دولت و ژنرال دوبوا (Dubois) و ژان دوپویی (Jean Dupuy) و ژنرال آندره (André) و از ایرانیان میرزا ملکم خان نظام الدوله (که بعد ناظم الدوله گردید) وزیر مختار ایران در ایتالیا و پسرش فریدون خان و نریمان خان قوام السلطنه (ارمنی) وزیر مختار ایران در اطریش و کتابچی خان (ارمنی) متصدی غرفه ایران در نمایشگاه ۱۹۰۰ و نظار آقا ملقب به بهمین السلطنه (ارمنی) وزیر مختار ایران در فرانسه منتظر ورود شاه بودند . هنگام پیاده شدن شاه امیل لوبه و سایر مستقبلین به پیش آمده خیر مقدم گفتند . پس از معرفی هیئت دولت بتوسط لوبه و نواختن سرود ملی ایران و فرانسه و عبور از برابر گارد احترام که معروف بگارد جمهوری میباشد ، شاه و همراهان بوسیله کالسکه های مخصوصی که در خارج ایستگاه آماده کرده بودند رهسپار کاخ معروف سوورن (Palais des Souverains) واقع در خیابان بوا دو بولنی (Bois de Boulogne) گشتند . در این تشریفات شاه و همراهان ایرانی لباس رسمی ایران دربر داشتند که عبارت بود از کلاه پوستی بی له و سرداری سیاه با مغزی قرمز و تکه های شیر و خورشیدی مطلا و جلیدقه و شلواری برنگ روشن با نوار یهن طلائی ، منتهی

شاه تکمه‌های طلای اصل بسرداری داشت و قسمت فوقانی شمشیرش مزین بجاواهر بود و در ناحیه تختانی جیقه جواهر نشان اودریای نورپچشم میخورد. در کاخ سوورن نیز مانند یارک سوورن کنتز کنسویل مأموران انتظامی برای شاه گمارده بودند. تخت خواب ناپلئون اول و دست و روشویی ماری لوئیز امپراطریس فرانسه را از جایگاه دائمی و مخصوص خود برای اطاق خواب مظفرالدین شاه باین کاخ انتقال داده بودند ولی بقراری که پدرم نقل میگرد شاه از دست و روشویی مزبور استفاده ننموده اکثراً با آفتابه‌لگن معمولی خودش دست ورو می‌شست.

شاه دو سه روز باستراحت وچند روز هم بیذیرائی وزراء فرانسه و مقامات خارجی سرگرم بود. در مواقع فراغت مهندس الممالک و دکتر خلیل خان جراید و نشریات فرانسه را برای او تفسیر مینمودند. از جمله وقایع مهمه ایام توقف شاه در اروپا موضوع قتل هومبراول (Humbert 1er) یا باصطلاح ایتالیائی هومبرتو (Humberto) پادشاه ایتالیا بود. بدیهی است چون میدانستند این قبیل اخبار آشفته و هیجان انگیز شاه را بسیار ناراحت و دچار تشنگی فکری مینماید دقت لازم بعمل می‌آوردند تا در حدیث ترجمه و تفسیر بانهایت حزم و احتیاط این خبر را هر چه بیشتر ناچیز جلوه دهند، غافل از آنکه در همان اوقات توطئه‌ای نیز برای خودش در شرف تکوین بوده است.

### قتل پادشاه ایتالیا :

اینک قبل از تشریح جریان واقعه سوء قصد به مظفرالدین شاه اقتضا دارد شمه‌ای از جریان قتل پادشاه ایتالیا و ملکه اطریش را که زمانی قبل از آن بوقوع پیوست و علت این سوء قصد های سیاسی را که بوسیله عمال کمیته آنارشیسیم بین‌المللی صورت میگرفت شرح دهیم :

هومبراول پادشاه ایتالیا در سال ۱۸۴۴ مسیحی متولد و در ۱۸۷۸ بسلطنت رسید و پدرش ویکتور امانوئل (Victor Emanuel) دوم معروف، با کومک نیروی ملی، استقلال کشور خود را بدست آورده بود. هومبردر آغاز سال ۱۹۰۰ روزی پس از گذراندن مسابقات ورزشی شهر مونزا (Monza) که ریاست عالی و افتخاری آنرا بعهده داشت هنگام بازگشت با کالسکه ساعت ده شب مورد سوء قصد یکفرا انارشیسیت موسوم به گائتانو برچی (Gaetano Bresci) ایتالیائی واقع شد. سه تیر بیایی باوشلیک گردید و با نخستین گلوله‌ایکه بقلبش اصابت کرده بود در دامان رئیس ستاد خود جان سپرد. برچی از کارگران بنام کارخانه ابریشم‌بافی بود و بر حربه آتشین وی تاریخی حک گشته بود که درست با تاریخ قتل سادی کارنو (Sadi Carnot) رئیس جمهور اسبق فرانسه که در شهر لیون بوقوع پیوست مطابقت مینمود یعنی ۱۸۹۴ و آن نوع حربه‌هایی که محکوک باین تاریخ بود از اختصاصات انارشیستهای بین‌المللی بشمار میرفت. اکثر انارشیستهای بین‌المللی ایتالیائی بودند و قاتل سادی کارنو نیز ایتالیائی. برچی قاتل سی و یک ساله هومبردر قصبه پینتو (Pinto) تولد یافته هنگام بلوغ عازم امریکا گردید و در آن دیار و محیط آزاد افکار انارشیسیتی را در حمله خویش پرورانده پس از مراجعت بموطن، بگروه انارشیستهای بین‌المللی پیوست و پس از قتل هومبر دستگیر شد و بکیفر اعمال خود رسید. قتل هومبر برای ملت ایتالیا از مصائب عظیمه بود و در آستانه قرن بیستم ناگهان تنفر و انزجار شدیدی در روحیه و افکار عمومی آن کشور بوجود آورد که کلیه حوادث ناگوار و تیره‌بختی‌های ادوار گذشته را از قبیل کشت و کشتارهای سهمگین حبشه و جانفشانیها و خون‌ریزی‌هایی که برای حصول آزادی در شهر میلان صورت گرفته بود تحت الشعاع قرار داد.

تفسیر سیاسی قتل هومبراول یا باصطلاح ایتالیائی هومبرتو از اینجا سرچشمه میگردد که پس

از جنگ معزوف (۱۸۷۱-۱۸۷۰) که فرانسه از آلمان شکست خورد پیمانی با بشارک بیسمارک صدر اعظم مقتدر آلمان بین دولت او و اطریش و روسیه، موسوم به عهدنامه اتحاد ثلاثه در سال ۱۸۷۲، منعقد گردید. در سال ۱۸۸۶ روسیه خود را از این اتحادیه خارج ساخت و طولی نکشید که ایتالیا در ۱۸۸۷ جانشین وی گردید. با پیوستن ایتالیا باین پیمان هومبر در صدد چاره جوئی و انهدام انارشسیسم بین المللی برآمد و برای تشکیل کنفرانسی از دول اروپائی بمنظور «شناسائی عمال پراکنده انارشسیسم در زمره مجرمین بین المللی» پیشقدم گشته و در تصمیم خود نهایت کوشش و پافشاری مینمود. همین اقدامات جدی و مصرائه وی در ریشه کن ساختن فرقه انارشسیسم هر دم عکس العملی شدیدتر ایجاد مینمود، و هومبر برخلاف رویه انگلستان که دست انارشسیستهای بین المللی را بازگذاشته و کاری بدانها نداشت؛ شدت عمل بخرج می داد و عمال آنرا دستگیر و مجازات می کرد و بجنس می افکند تا آنکه بالنتیجه خویشتن را هدف انتقام جوئی قرارداد.

### قتل ملکه اطریش :

و اما داستان قتل امیر اطریس اطریش این است که او برای گردش به ژنو آمده بود. روز پنجشنبه هشتم دسامبر در نزدیکی دریاچه لمان ناگهان یکی از انارشسیستهای بین المللی بنام لوک شنی (Luccheni) خود را بروی الیزابت انداخته با یک سوهان سه پهلوی دسته چوبین ضربه شدیدی ب قسمت سفلی دهلیز چپ قلب او وارد آورد. اما وی را هلاک نکرد زیرا نوک تیز و باریک سوهان مذکور جریان خونریزی را بطئی و غیر محسوس ساخته بود. با قوای باقی مانده و کمک ندیبه، خود را بدرون کشتی رسانید و کسی در آن موقع فرصت نیافت تا جانی را دستگیر نماید. هنگام پناهنده شدن ملکه در کشتی سیلان دم فزونی یافته بحالت اغماء در آمد و غفله از پشت سر در غلطیده و جان سپرد.

### سوء قصد بشاه ایران در فرانسه :

سوء قصد بمظفرالدین شاه نیز در همان سال قتل هومبر بوقوع پیوست، روز ششم اقامت شاه در کاخ سلاطین پاریس، وزیر امور خارجه فرانسه شاهرا بورسای دعوت کرده بود. صبح در پارک چند قطعه عکس از شاه برداشته شد و قبل از حرکت میرزا جواد خان سعدالدوله شاه را یادآور نمود که ضمن عبور از خیابان چند دستگاه اتومبیل هائی را که قبلاً سفارش داده بودند و بیرون کاخ کنار پیاده رو پیچ خیابان گذاشته بودند از نظر بگذرانند. مظفرالدین شاه نیز ساعتی قبل از موقع مقرر و رسیدن اسکورت نظامی بدون رعایت اصول تشریفاتی سوار کالسکه شده کاخ را ساعت نه صبح ترک گفت. سمت چپ او میرزا علی اصغر خان صدراعظم و مقابل شاه میرزا محمودخان حکیم الملک وزیر دربار و روبروی صدراعظم ژنرال پاران (Parent) مهماندار قرار گرفته بودند. در کالسکه دیگر نیز چند تن از ملتزمان بودند. در مسیر شاه کم و پیش تماشاگران صف آرائی نموده بودند. سرپیچ خیابان مالاکف (malakoff) برابر خانه شماره ۱۱۰ بدستور سعدالدوله کالسکه ها اندکی متوقف گشتند تا شاه بامنحرف ساختن سر خود بسمت چپ خیابان اتومبیل های مورد نظر را خوب ببینند. ناگهان جوانی که پیراهن راهراه بر تن داشت باحالتی جسورانه و شتاب زده جمعی را بکنار رانده خود را بکالسکه شاه رساند و بالای یله آن قرار گرفت، در آن هنگام مردم چنان پنداشته بودند که جوان مزبور قصد سخنرانی و یا تقدیم عریضه دارد، اما برخلاف این تصورات ناشناس حربه آتشی از جیب خود بیرون آورده میخواست آنرا برسینه شاه قرار دهد. در همان لحظه اول میرزا



سوء قصد به مظفرالدین شاه در پاریس  
این تصویر ازنامه هفتگی پتی ژورنال شماره ۵۰۹ یکشنبه نوزدهم اوت ۱۹۰۰  
مسیحی گرفته شده است

مجمود خان حکیم‌الملک که جلوی شاه نشسته بود سرعت برخاست و با فشردن مچ دست او سرِ حربه را بجانبی دیگر منحرف و انگشتی بزیر ماشه آن فرو نهاد تا از رها شدن تیر جلو گیری شود، در آن بحیوه که وزیر دربار خویشان را مابین شاه و سوء قصد کننده حائل و با آن آشوب گر گلاویز گشته بود چند تن از مأموران انتظامی و پلیس‌های دوچرخه سوار و سپس مسیوپااولی کمیسر خفیه پلیس و مأمور مخصوص شاه که با دوچرخه خود پشت سر کالسکه‌ها در حرکت بود با اشاره دکتر خلیل خان و یکی دوتن دیگر از ملتزمان که از آغاز امر حرکات غیرطبیعی آن ناشناس را احساس نموده بودند خود را بمحل وقوع حادثه باندک مسافتی جلوتر رساندند. یکی از پلیس‌ها با دوچرخه خود نقش بر زمین گشت. یااولی از روی دوچرخه بزمن جهید و از پشت سر آن جوان جسور را در بغل گرفته در حال رها شدن حربه بدرون کالسکه وی را از روی پله بزیر افکند. در فواصل این جریانات صدراعظم و ژنرال یاران بجالتی بهت زده درآمده بودند، و اما شاه درخاتمه کارزار بخواهش وزیر دربار بارنگ رخ‌باخته این پیشامد را نادیده گرفته در کالسکه سرباز بایستاد و با خودنمایی سلامت خویش را بمردم آشکار ساخت.

بمجرد ایستادن شاه در کالسکه، فریاد شادی و کف زدن حضار در سراسر آن محوطه طنین انداز گردید، آنکاه بمصاحبه میرزا علی اصغر خان بدون کمترین انصراف خیال در فسخ عزیمت بموعود گاه براه خود ادامه داده وارد خیابان شانزلیزه شدند، و در آنجا اسکورت رسمی و جمعی دیگر از مهمانان ایرانی که انتظار شاه را میکشیدند به کالسکه شاه پیوسته بجانب اسکله رودسن (seine) شتافتند تا بوسیله کشتی روانه کارخانه معروف چینی سازی سور شوند. شاه در آنجا هدایائی چند از ظروف نفیسه دریافت کرد و بی درنگ عازم ورسای گردید. سرمیز ناهار مسیودلکاسه وزیر امور خارجه تأسفات دولت خود را از این واقعه ناگوار ابراز داشته پذیرائی بسیار گرمی از شاه بعمل آورد.

موضوع جالب این است که پس از دستگیر نمودن سوء قصد کننده او را بهمان کاخ اقامتگاه شاه برده در قفسه‌ای مستحکم مجبوس ساختند تا خود شاه هنگام بازگشت تکلیف و سر نوشت او را تمیین کند.

در غیاب شاه تحقیقاتی بتوسط یااولی ازوی بعمل آمد و معلوم گردید نامش فرانسوا و نام خانواد گیش سالسون میباشد (François Salson) و هیچگونه رابطه با انارشیتتهای بین المللی ندارد منتهی بواسطه داشتن چند سابقه سوء در این حادثه تحت تأثیر افکار جاهلانه واقع گشته است. رفتار و گفتارش در برابر پلیس مبهم و غیر عادی بنظر میرسید. گاه بجزع و فزع و تضرع پرداخته گاه بناسزا گوئی و بلند پروازی‌های شبه انارشیتتی سخن میراند.

بدستور مظفرالدین شاه مجازات بسیار خفیفی برای او تمیین گردید بدین معنی که مقرر شد تا شاه در خاک فرانسه است سالسون توقیف باشد و پس از آن آزاد شود.

مظفرالدین شاه در مدت اقامت هجده روزه خود در یاریس به دید و بازدید با رئیس جمهور و رجال فرانسه پرداخت. از غرقه‌های ایران و سایر ممالک در نمایشگاه بین المللی معروف ۱۹۰۰ دیدن نمود. یکی از غرقه‌های ایران سردرب عالی قاپو بود که بطراحی مسیومریات (Meriat) بنا گشته بود. از مسیویک (Leygues) وزیر معارف و صنایع مستظرفه و مسیوکایو (Caillaux) وزیر مالیه نیز ملاقات بعمل آورد. در ضرابخانه بدریافت یک مدال طلا نائل گشت یک سمت مدال تمثال خودش



و سمت دیگر این جمله ضرب گشته بود: «بزرگترین پادشاه قاجار روز هفتم اوت ضرابخانه ما را بقدم خود سزین فرمودند». روزی چند پس از حضور در مراسم اسب دوانی در تاریخ دهم اوت پاریس را بمقصد بلژیک ترک گفت و چندی نگذشت که فرانسوا سالسون از زندان آزاد گردید. از مقام مندرجات کلیه نشریات ایران و کشورهای خارجی چنان برمیآید که مسافرت مظفرالدین شاه بفرنگستان اساساً جنبه سیاسی نداشته و منحصرأ بمنظور استعلاج و استراحت درنواحی معدنی اروپا و تماشای نمایشگاه بین المللی ۱۹۰۰ بوده است و اصولاً باید فرض جانبداری و یا حسن ظن شاه ایران را نسبت به پیمان اتحاد ثلاثه که منجر بقمش سیاسی و سوء قصد آنارشیستی می گردد از نظرها بدور افکنند.

### آیا سوء قصد بشاه توطئه بوده؟

درخصوص علل و موجبات سوء قصد بمظفرالدین شاه آنچه تاکنون در ایران منتشر گردیده براساس مندرجات سفرنامه شاه و تفاهم ظاهری آن بوده است، ولی از نظر باریک بینی و تفحصات عمیق و گفتار جست و گریخته برخی از معاصران آن زمان واقعه سزبورما می توان بیک صحنه شعبه تشبیه نمود! میرزا حسین خان نامی قزوینی که مختصری از شرح حال او در مقالات پدرم منتشر گردیده در اوائل نخستین جنگ بین المللی در تهران میزیست و در بعضی مجالس شطرنج بازان حضور می یافت و از حریفان بنام وزیرک - بشمار میرفت - سالیانی قبل از جنگ نیز در استانبول و چندین بار با دستی تهی اوقات خویش را بسیاحت ممالک اروپا میگذراند، از جمله در سال ۱۹۰۵ مقارن با سومین سفر مظفرالدین شاه بیاریس، او هم در پاریس بسر میرد و چندبار با مکتوب بدون امضاء شاه را تهدید بقتل نموده و پس از دستگیر شدن اظهار داشته بود که «چون مظفرالدین شاه سلیم النفس است و من قلباً او را پرستش میکنم هیچگاه قصد قتل او را نداشته ام منظورم جلب توجهات شاهانه باستعانت بوده است» و بدین ترتیب جوهری دریافت داشت.

میرزا حسنخان قزوینی پس از درگذشت مظفرالدین شاه اظهار داشته بود:

«فرانسوا سالسون در سال ۱۹۰۰ ابدأ قصد سوئی نسبت بشاه نداشت و حربه آتشین وی از حربه های نمره دار مخصوص آنارشیست ها نبود. ده لول نوظهوری بود که ده فشنک در محازن دهگانه و گردنده آن جا میگرفت. بعضی از ملتزمان شاه نیز از همین نوع ده لول گرانها خریداری کرده و بتهران آورده بودند، میدانید که همیشه در دربار قاجاریه دسته بندی هایی بین درباریان وجود داشت که هر دسته ای بنفع سردسته خود علیه دسته مقابل کارشکنی مینمود. این رویه در نخستین سفر شاه بارویا رو بشدت نهاد. دودسته متضاد قوی و یک دسته بی طرف و ضعیف وجود داشت که آن دودسته قوی برای پیشرفت مقاصد میرزا علی اصغر خان صدراعظم و میرزا محمود خان وزیر دربار که بیوسته بدینی آنان نسبت یکدیگر شدت می یافت بهر اقدامی دست میزدند. در قلیل مدت اقامت شاه در پاریس آن دوز و کلک را چیدند تا توجه شاه را بیش از پیش بحسن خدمات شاه پرستانه و صادقانه خویش جلب نمایند. حربه آتشینی را که بفرانسوا سالسون سیرده بودند فقط محتوی دو یاسه فشنک بوده و چخماق آنرا ضایع کرده بودند تا ضربه وارد بجاشنی فشنک خشنی گشته تیری از آن خارج نگردد و بدین سان سالسون هدف جنایت آمیزی جز آنکه عملی تصنعی انجام دهد و حقی بستاند نداشت...»

جریان اختلافات سیاسی میرزا علی اصغر خان اتابک و میرزا محمود خان حکیم الملک را که منجر بقتل حکیم الملک گردید بعداً از نظر خوانندگان خواهد گذراند.